

از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و رشد اقتصادی (مطالعه کشورهای در حال توسعه)

زیدالله زاهد^{۱*}، زهرا نصراللهی^۲، منصور مهینی زاده^۳

چکیده

سرمایه انسانی به منزله یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است که می‌تواند سبب ارتقا و بهبود فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی شود. در این میان، زنان معرف نیمی از جمعیت‌اند و یکی از ارکان خانواده و جوامع را تشکیل می‌دهند. بهره‌گیری از استعداد و توانایی‌های آن‌ها به‌عنوان سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی حائز اهمیت است. با این حال، وجود تبعیض جنسیتی به‌منزله یکی از عواملی مطرح شده است که نه‌تنها سبب نقض حقوق اساسی بشر می‌شود، بلکه می‌تواند باعث کاهش بهره‌وری و کیفیت سرمایه انسانی و به دنبال آن کاهش رشد اقتصادی شود. در این زمینه، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر تبعیض جنسیتی در چهار حوزه آموزش، بازار کار، توانمندسازی زنان و شرایط اجتماعی بر رشد اقتصادی است. در این پژوهش، داده‌ها با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و عمدتاً برگرفته از داده‌های انتشاریافته بانک جهانی است. به منظور برآورد رابطه بین تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی از روش داده‌های ترکیبی برای کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۰ و برای تجزیه و تحلیل نتایج نیز از نرم‌افزارهای Stata12 و EViews10 استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه رشد نیروی کار و بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی و معنادار دارد و رشد سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنادار دارد. در این کشورها، برابری جنسیتی با رشد اقتصادی رابطه معناداری ندارد.

کلیدواژگان

ابعاد برابری جنسیتی و کشورهای در حال توسعه، تبعیض جنسیتی، رشد اقتصادی.

۱. کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)
zahidzaidullah@gmail.com
۲. دانشیار، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، بخش علوم اقتصادی دانشگاه یزد
nasr@yazd.ac.ir
۳. استادیار، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، بخش علوم اقتصادی دانشگاه یزد
mahinizadeh@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

مقدمه

رشد اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه نظری و تجربی همواره یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. در این میان، سرمایه‌انسانی به‌منزله یکی از ارکان اساسی توسعه مورد توجه خاص همه کشورهای است. سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی منافع مستقیم و غیرمستقیم زیادی دارد و می‌تواند از طریق بهبود بهره‌وری و نوآوری سبب بهبود فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی افراد شود و از این طریق به کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی کمک کند. سرمایه‌گذاری بر زنان و آموزش آن‌ها به‌منزله یک سرمایه‌انسانی بارز نیز به دلیل پیامدهای اجتماعی متعدد آن اهمیت زیادی دارد. در واقع، سرمایه‌گذاری بر زنان نه تنها به واسطه اینکه نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، بلکه به علت نقش آنان در تحکیم خانواده و پرورش نسل آتی حائز اهمیت است. میزان اهمیت زنان و سرمایه‌گذاری بر آن‌ها آن‌چنان است که حداقل سه مورد از هشت هدف توسعه هزاره (MDGs)، که در راستای افزایش توانایی‌های بشر و پیش‌برد زندگی آن‌ها به سمت یک زندگی مولد است، به مسائل زنان اختصاص دارد. یکی از این اهداف، دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران است. برابری جنسیتی نه تنها یکی از حقوق اساسی انسان، بلکه پایه و اساس لازم برای جهانی صلح‌آمیز، مرفه و پایدار است. فراهم کردن دسترسی برابر زنان و دختران به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال مناسب، باعث ایجاد اقتصادی پایدار و به نفع جوامع و بشریت است. به‌رغم اهمیت برابری جنسیتی و توجه روزافزون به آن، هنوز تبعیض جنسیتی یکی از مشکلات بسیاری از کشورهای است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش پاسخ‌گویی به این پرسش است که «آیا برابری جنسیتی موجب افزایش رشد و توسعه اقتصادی می‌شود؟» در این زمینه، مقاله حاضر به بررسی تأثیر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰ پرداخته است. ساختار مقاله به این صورت است که در بخش دوم تبعیض جنسیتی و رابطه ابعاد مختلف آن با رشد اقتصادی بررسی شده، در بخش سوم پیشینه پژوهش ارائه شده و بخش چهارم نیز به روش تحقیق، تخمین مدل و بیان نتایج حاصل از پژوهش اختصاص یافته است. بخش آخر پژوهش به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص دارد.

تبعیض جنسیتی

تبعیض، که می‌تواند به صورت عدم دسترسی برابر به فرصت‌ها و امکانات براساس جنس، نژاد، قومیت و... متبلور شود، مانعی بزرگ برای دستیابی به اهداف عدالت، توسعه و رشد اقتصادی محسوب می‌شود. کنوانسیون حذف انواع تبعیض علیه زنان^۱ (CEDAW)، که در سال ۱۹۷۹

1. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women

سازمان ملل تصویب کرد، تبعیض علیه زنان را به صورت «هرگونه تمایز، محرومیت یا محدودیتی که براساس جنسیت ایجاد شده و دارای هدف یا اثر باشد» تعریف کرده است. آسیب‌رساندن به حقوق زنان یا به رسمیت نشناختن آن‌ها، صرف نظر از وضعیت تأهل، براساس قانون برابری زن و مرد، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه دیگر است. در بازار کار، از نظر قانونی و طبق اکثر تعاریف فرهنگ لغت، «تبعیض» به انجام دادن عملی مانند پرداخت دستمزد متفاوت یا انتخاب و استخدام فردی بدون در نظر گرفتن شایستگی او و صرفاً با تکیه بر عضویت او در گروهی خاص اشاره دارد [۲۱]. شایان ذکر است که تبعیض جنسیتی علیه زنان به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. در حالی که تبعیض به‌طور کلی در اقتصادهای توسعه‌یافته به صورت تفاوت در میزان دستمزدها در بازار کار شناخته می‌شود، در اقتصادهای در حال توسعه به صورت دسترسی متمایز به تحصیلات، بهداشت و اشتغال وجود دارد. نابرابری‌های جنسیتی در ابعادی مانند آموزش، بهداشت، اشتغال و درآمد در اقتصادهای در حال توسعه پیامدهای بسیاری دارد. از دیدگاه رفاه و عدالت نیز چنین تبعیض‌هایی، با هدف پایین آوردن رفاه زنان، نوعی بی‌عدالتی به زنان تلقی می‌شود [۱۳].

درواقع، تبعیض، به‌منزله نوعی نابرابری و مسئله‌ای مهم برای زنان در سراسر جهان، توانایی زنان را برای مشارکت آزادانه و کامل در جامعه تحت تأثیر قرار داده، سبب به تحلیل رفتن استعدادهای آن‌ها شده و عواقب منفی زیادی را در این حوزه به همراه دارد. نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند که بخش اعظم آن‌ها در مراحل مختلف زندگی خود تبعیض از نوع مستقیم یا غیرمستقیم را تجربه کرده‌اند [۳۰]. سازمان بین‌المللی کار بین تبعیض مستقیم و غیرمستقیم تمایز قائل است. شکل مستقیم آن در صورتی به وجود می‌آید که بدون در نظر گرفتن صلاحیت افراد، گروه‌های خاصی از جامعه به دلیل ویژگی‌هایی مثل جنسیت صریحاً از چارچوب قانونی محروم و ناتوان می‌شوند. تبعیض غیرمستقیم در صورتی رخ می‌دهد که قوانینی بر گروه‌های خاص تأثیر منفی بگذارد؛ مثلاً تبعیض بین کارمندان پاره‌وقت و تمام‌وقت که تقریباً در همه کشورهای وجود دارد. از آنجا که بخش عمده‌ای از کارمندان پاره‌وقت زنان هستند، برخی از این قوانین به ضرر زنان است. طبق برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ (UNDP، ۱۹۹۵)، شرایط ذاتی شغل مانند توان بدنی و کارآیی را می‌توان به‌عنوان دلایلی برای یک رفتار متنوع و بدون تبعیض پذیرفت [۸].

همان‌طور که اشاره شده، تبعیض جنسیتی می‌تواند به صورت‌های مختلف در آموزش، اشتغال، شرایط اجتماعی و توانمندسازی زنان (بعد سیاسی تبعیض جنسیتی) بروز یابد، که در ادامه مباحثی در این حوزه‌ها ارائه شده است.

1. The United Nations Development Programme

تأثیر تبعیض جنسیتی از طریق آموزش بر رشد اقتصادی

آموزش نقشی مهم در حصول اطمینان از توسعه همه‌جانبه و پایدار یک کشور، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، ایفا می‌کند [۳۱]. آموزش کلید توانمندسازی است و به افراد کمک می‌کند بتوانند در جامعه فعالیت کنند و بر زندگی خود کنترل داشته باشند. آموزش منبع اصلی ایجاد مهارت و پرورش استعداد است و به افراد توانایی استفاده از فرصت‌ها را خواهد داد. تبعیض و نابرابری‌های موجود در پیشرفت‌های تحصیلی به تبعیض در استفاده از فرصت‌های اقتصادی تبدیل خواهد شد [۷]. با این حال، آموزش زنان به معنای کاهش سطح باروری، کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان و ارتقای آموزش نسل بعدی است که هر عامل به نوبه خود تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی دارد. بنابراین، تبعیض جنسیتی در آموزش و پرورش مزایای آموزش زنان را کاهش می‌دهد [۱۹]. به‌طور کلی، زنان تحصیل کرده همیشه در همه زمینه‌های زندگی نقشی مهم و اساسی دارند. برخورداری زنان از آموزش عالی به‌رغم اینکه مؤثرترین راه و یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه برای رشد اقتصادی و توسعه هر کشوری در سراسر جهان است، به تدوین سیاست‌هایی با هدف تمرکز بر توانمندسازی زنان از طریق آموزش عالی نیاز دارد [۳۲]. تبعیض جنسیتی در آموزش باعث کاهش متوسط سطح سرمایه انسانی در اقتصاد و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. به عبارتی، از نظر تجربی، سرمایه انسانی پایین مستقیماً بر رشد اقتصادی تأثیر دارد و آن را کاهش می‌دهد [۱۹].

تأثیر تبعیض جنسیتی از طریق بازار کار بر رشد اقتصادی

در طول قرن گذشته، تغییرات زیادی در بازارهای کار در جهان رخ داده و نتیجه آن نیز افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و تغییر دیدگاه اشتغال است. با این حال، هرچند تبعیض جنسیتی آموزشی تا حدی رفع شده، هنوز هم در اکثر کشورهای ثروتمند تبعیض جنسیتی در سطح حقوق و دستمزد و همچنین در نوع فعالیت‌هایی که زنان و مردان در بازار کار انجام می‌دهند وجود دارد [۶]. مدل‌های نظری متفاوتی در مورد تبعیض در بازار کار ارائه شده که نشان می‌دهند اشتغال و مشارکت بالای زنان باعث درآمد بالاتر و کاهش میزان باروری نیز خواهد شد. تبعیض جنسیتی در بازار کار، دسترسی به فناوری‌ها و منابع ضروری باعث کاهش میانگین بهره‌وری خواهد شد و تبعیض جنسیتی در اشتغال زمانی که با باروری بالا نیز همراه باشد، می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد [۹]. اهمیت اشتغال و درآمد زنان در خانواده‌ها قدرت چانه‌زنی^۱ در خانه را افزایش می‌دهد. این قدرت چانه‌زنی نه تنها به نفع زنان است، بلکه تأثیرات زیادی برای رشد اقتصادی نیز دارد. این قدرت همراه با درآمد اضافی ناشی از مشارکت

1. Bargaining Power

زنان در بازار کار می‌تواند باعث افزایش پس‌انداز شود، پس‌انداز بیشتر سبب سرمایه‌گذاری‌های بالاتر در بهداشت و آموزش فرزندان می‌شود و به این ترتیب نسل بعدی به‌عنوان سرمایه‌انسانی می‌تواند رشد اقتصادی را ارتقا دهد. کارگران زن، به طور متوسط، کمتر از کارگران مرد مستعد ابتلا به فساد و پارتی‌بازی^۱ هستند. این نتایج توسط مطالعات آناندسوامی و همکاران^۲ (۲۰۰۱) و بانک جهانی (۲۰۰۱) مطرح شده است، پس می‌توان نتیجه گرفت که سطح بالای اشتغال زنان برای بهبود عملکرد اقتصادی سودمند است [۱۹]. به‌طور کلی، سطوح بالای تبعیض جنسیتی در اشتغال، استعداد نیروی کار را محدود می‌کند، زیرا نیروی کار مرد با کیفیت پایین، زنان ماهر را از بازار کار خارج می‌کنند. در نتیجه، میانگین بهره‌وری نیروی کار موجود در اقتصاد ملی کاهش می‌یابد و مانع بزرگی برای توان کشور در رقابت‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود [۱۲].

تأثیر تبعیض جنسیتی از طریق توانمندسازی زنان بر رشد اقتصادی

تقویت حقوق قانونی زنان و اطمینان از مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حائز اهمیت است. آژانس همکاری بین‌المللی توسعه بین‌المللی سوئد (SIDA)^۳ توانمندسازی اقتصادی زنان را چنین تعریف کرده است: فرایندی که باعث افزایش قدرت زنان در تصمیمات اقتصادی شده و بر زندگی و اولویت‌های آن‌ها در جامعه تأثیر می‌گذارد. توانمندسازی زنان را می‌توان دسترسی برابر به منابع و فرصت‌های اقتصادی و مدیریت آن‌ها و از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار تعریف کرد [۱۶]. توانمندسازی زنان می‌تواند در دو بعد باعث تحول مثبت اجتماعی در زندگی آن‌ها شود. اول در سطح فردی زنان باید احساس ارزش کنند و توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب در زندگی را به دست بیاورند. دوم در سطح جامعه توانمندسازی که در آن زنان به‌عنوان یک شهروند توانایی اقدام جمعی برای اعتراض به بی‌عدالتی، مطالبه حقوق خود و سهم مساوی با مردان از مشارکت در شکل دادن به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند داشته باشند [۱۷]. توانمندسازی سیاسی زنان یکی از اهداف توسعه هزاره و یک موضوع مهم در همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه است. توانمندسازی زنان بهترین نیروی محرک رشد اقتصادی است [۳۳؛ ۳۶]. حضور زنان در سیاست به ایجاد فرصت‌های جدید برای بیان و دنبال کردن منافع آن‌ها منجر خواهد شد. شواهد تجربی در این زمینه نشان می‌دهد که زنان قانون‌گذار، بیشتر نیازهای استراتژیک زنان را برطرف می‌کنند و البته این نیازها از حقوق قانونی زنان است [۲۳].

1. nepotism

2. Anand Swamy et al., 2001.

3. Swedish International Development Cooperation Agency

تأثیر تبعیض جنسیتی از طریق شرایط اجتماعی بر رشد اقتصادی

مطالعات متعددی نشان‌دهنده ارتباط بین شرایط اجتماعی و وضعیت بهداشتی است. بسیاری از بیماری‌ها و خطرهای ناشی از آن را می‌توان بین افراد دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین مشاهده کرد [۲۲]. این امر به توزیع متفاوت سلامتی، تغییر در نرخ بیماری و امید به زندگی در جامعه منجر می‌شود [۳۵]. شرایط اجتماعی بخش بهداشت و درمان از بخش‌های کلیدی هر کشور به شمار می‌آید و در فرایند توسعه اقتصادی به‌منزله زیربنا مطرح می‌شود، زیرا عامل یادشده به صورت مستقیم بر بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه، افزایش تولید و رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد [۲۰]. بنابراین، افزایش برابری جنسیتی زنان و دسترسی زنان به آموزش و بهداشت برابر سبب افزایش درآمد، کاهش فقر و رشد اقتصادی می‌شود [۲۷].

پیشینه پژوهش

در این قسمت، به چند نمونه از مطالعات خارجی و داخلی صورت‌گرفته در حوزه تأثیر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی اشاره شده است. در جدول ۱ به چند مورد مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه اشاره شده است.

جدول ۱. مروری بر مطالعات انجام‌شده در حوزه تأثیر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی

ردیف	نویسنده	سال	عنوان	روش تحقیق	نتایج
۱	اندرسون ^۱	۲۰۱۰	تأثیر افزایش برابری جنسیتی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه	حداقل مربعات معمولی	تعداد زنان و مردانی که دوره ابتدایی را به اتمام رسانده‌اند سبب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد. ولی میزان مشارکت زنان و مردان بر رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته است.
۲	تانسل و گونگور ^۲	۲۰۱۶	تأثیرات جنسیتی آموزش بر توسعه اقتصادی ترکیه	الگوی تعمیم‌یافته سرمایه انسانی توسعه اقتصادی	آموزش زنان بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنادار دارد. در حالی که آموزش مردان تأثیر مثبت، ولی ناچیزی داشته است. بررسی جداگانه تأثیر تبعیض جنسیتی آموزش بر تولید منفی بود.
۳	فرن ^۳	۲۰۱۵	چگونه نابرابری جنسیتی می‌تواند مانع توسعه شود؟	حداقل مربعات دو و سه مرحله‌ای	درآمد سرانه اثر منفی بر شدت نابرابری جنسیتی داشته است.

1. Andersson
2. Tansel & Güngör
3. Ferrant

از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و... ۶۴۹

ردیف	نویسنده	سال	عنوان	روش تحقیق	نتایج
۴	مورهاوس ^۱	۲۰۱۷	ابعاد برابری جنسیتی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی		کشورهایی که از حقوق اقتصادی زنان حمایت می‌کنند، تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه بیشتری را خواهند داشت.
۵	خانال ^۲	۲۰۱۸	تبعیض جنسیتی در هزینه‌های آموزش و پرورش در نپال		نتایج نشان داد که والدین در مناطق روستایی و شهری برای فرزند پسر خود بیشتر از فرزندان دختر هزینه می‌کنند.
۶	برزانی و حاتمی	۱۳۸۹	اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه	الگوی سیستم هم‌زمان و رگرسیون به‌ظاهر نامرتب	برابری جنسیتی آموزشی تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته است.
۷	آذربایجانی و مصطفایی	۱۳۹۰	اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب		هرچه نابرابری جنسیتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نظیر حوزه‌های آموزش، سلامتی و اشتغال کمتر باشد، رشد اقتصادی پرشتاب‌تر و مؤثرتر خواهد شد.
۸	پناهی	۱۳۹۵	تأثیر نابرابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی ایران	جوهانسن جوسیلیوس	کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش داده‌ها با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و عمدتاً برگرفته از داده‌های انتشار یافته بانک جهانی است. به منظور برآورد رابطه بین تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی از روش داده‌های ترکیبی برای کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۸ و برای تجزیه و تحلیل نتایج نیز از نرم‌افزارهای Stata12 و Eviews10 استفاده شده است. کشورهای مطالعه شده در این پژوهش در جدول ۲ گزارش شده‌اند. علاوه بر این، در قسمت اول پژوهش، معرفی متغیرهای استفاده شده و روش محاسبه آن‌ها ارائه شده است. در قسمت دوم، معرفی مدل و آزمون‌های داده‌های ترکیبی و در قسمت سوم برآورد مدل و نتایج

1. Moorhouse
2. Khanal

۶۵۰ زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

حاصل از آن برای کشورهای در حال توسعه ارائه شده است. شایان ذکر است که قبل از برآورد مدل و هرگونه استنباط آماری در داده‌های ترکیبی لازم است آزمون‌های ایستایی، هم‌انباشتگی (در صورت ناپیوستایی متغیرهای مورد بررسی)، واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی انجام شود، سپس با در نظر گرفتن نتایج حاصل از آزمون‌های داده‌های ترکیبی می‌توان روش مناسب برای برآورد مدل پژوهش را انتخاب کرد.

جدول ۲. گزارش کشورهای در حال توسعه سال ۲۰۱۸-۲۰۰۰

Ghana	غنا	۱۷	Afghanistan	افغانستان	۱
Honduras	هندوراس	۱۸	Algeria	الجزایر	۲
India	هند	۱۹	Angola	آنگولا	۳
Indonesia	اندونزی	۲۰	Argentina	آرژانتین	۴
Iran	ایران	۲۱	Azerbaijan	آذربایجان	۵
Iraq	عراق	۲۲	Bahrain	بحرین	۶
Israel	اسرائیل	۲۳	Bangladesh	بنگلادش	۷
Jordan	اردن	۲۴	Belarus	بلاروس	۸
Kazakhstan	قزاقستان	۲۵	Brazil	برزیل	۹
Kenya	کنیا	۲۶	African Central	افریقای مرکزی	۱۰
Korea	کره جنوبی	۲۷	Chile	شیلی	۱۱
Kuwait	کویت	۲۸	China	چین	۱۲
Malaysia	مالزی	۲۹	Cuba	کوبا	۱۳
Mexico	مکزیک	۳۰	Egypt	مصر	۱۴
Morocco	مراکش	۳۱	Eritrea	اریتره	۱۵
Nicaragua	نیکاراگوئه	۳۲	Georgia	گرجستان	۱۶
Syrian	سوریه	۴۴	Nigeria	نیجریه	۳۳
Tajikistan	تاجیکستان	۴۵	Oman	عمان	۳۴
Tanzania	تانزانیا	۴۶	Pakistan	پاکستان	۳۵
Thailand	تایلند	۴۷	Paraguay	پاراگوئه	۳۶
Tunisia	تونس	۴۸	Philippines	فیلیپین	۳۷
Turkey	ترکیه	۴۹	Qatar	قطر	۳۸
Ukraine	اکراین	۵۰	Russian	روسیه	۳۹
Uruguay	اروگوئه	۵۱	Arabia Saudi	عربستان	۴۰
Uzbekistan	ازبکستان	۵۲	Serbia	صربستان	۴۱
Venezuela	ونزوئلا	۵۳	Africa South	افریقای جنوبی	۴۲
			Sudan	سودان	۴۳

منبع: سازمان ملل طبقه‌بندی کشورها براساس نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ۲۰۱۰-۲۰۲۰

معرفی متغیرها

برابری جنسیتی (GI): برای محاسبه این شاخص از روش گیل- لافونته^۱ استفاده شده است. همچنین برای شاخص‌های استفاده شده در هر بعد نیز از متغیرهای مورد استفاده در مطالعه گیل- لافونته و فرننت^۲ بهره گرفته شده است. در ادامه، به تشریح ابعاد و متغیرهای مختلف این شاخص پرداخته شده است.

آموزش و پرورش: در این بعد، با توجه به محدودیت داده‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل میزان مشارکت زنان و مردان از نرخ مردان و زنان ثبت‌نام‌شده و فارغ‌التحصیل در سه دوره اول، دوم و متوسطه استفاده شده است.

بازار کار: در این بعد، به منظور تجزیه و تحلیل مشارکت زنان و مردان در بازار کار، از متغیرهای نرخ جمعیت زنان و مردان شاغل بالای ۱۵ سال و نرخ مشارکت اقتصادی زنان و مردان بالای ۱۵ سال استفاده شده است.

شرایط اجتماعی: در این بعد، با توجه به محدودیت داده، از شاخص امید به زندگی در زنان و مردان استفاده شده است.

توانمندسازی زنان: در این بعد نیز، با توجه به محدودیت داده‌ها از متغیرهای سهم زنان و مردان از کرسی مجلس، سهم کارمندان زن و مرد در دانشگاه و سهم معلم‌های زن و مرد در مدرسه استفاده شده است.

به منظور محاسبه برابری جنسیتی ابتدا باید شکاف جنسیتی محاسبه شود. ابتدا برای هر یک از متغیرها لازم است نسبت زن و مرد طبق روابط (۱) و (۲) محاسبه شود:

$$\% \text{ زنان} = \frac{\text{زنان}}{\text{زنان} + \text{مردان}} \quad (۱)$$

$$\% \text{ مردان} = \frac{\text{مردان}}{\text{زنان} + \text{مردان}} \quad (۲)$$

دو مقداری که از رابطه (۱) و (۲) به دست آمده باید مکمل واحد باشد، بنابراین $\% \text{ زنان} + \% \text{ مردان} = ۱$.

سپس شکاف جنسیتی با توجه به روابط (۳) و (۴) محاسبه می‌شود. در مواردی که با بالارفتن ارزش متغیر، مطلوبیت حاصل از آن افزایش یابد، اختلاف درصد بین زن و مرد از رابطه (۳) به دست می‌آید:

1. Gil-Lafuente
2. Ferrant

(۳)

مردان % - زنان % $GAP =$
 در مواردی که با بالا رفتن ارزش متغیر، مطلوبیت حاصل از آن کاهش یابد، اختلاف درصد
 بین زن و مرد از رابطه (۴) به دست می‌آید:
 (۴)

$$GAP = \% \text{ مرد} - \% \text{ زنان}$$

مقادیر مثبت شکاف جنسیتی، مطلوب بودن متغیر را برای زنان و ارزش‌های منفی نیز
 برتری مردان را نشان می‌دهد. سپس با استفاده از شکاف جنسیتی محاسبه شده برای هر متغیر
 و وزن هر متغیر، که در مطالعه گیل-لافونته و همکاران (۲۰۱۹) محاسبه شده، شاخص برابری
 جنسیتی به صورت رابطه (۵) محاسبه می‌شود:

(۵)

$$IG = 0.25 \sum_k X_{dim}^k$$

(۶)

$$X_{dim}^k = \sum_{i=1}^n w_i^k * z_i^k, i = 1, 2, \dots, n$$

IG: شاخص برابری جنسیتی برای هر جامعه مستقل

X_{dim}^k : برابری جنسیتی برای بعد k

w_i^k : وزن متغیر i برای بعد k

z_i^k : ارزش شکاف جنسیتی متغیرهای a_i, b_i, c_i و d_i برای بعد k

K: ابعاد آموزش، بازار کار، شرایط اجتماعی و توانمندسازی

n: تعداد متغیرهای ابعاد k

رشد اقتصادی (GDPPG)^۱: برای محاسبه این متغیر با توجه به مدل استفاده شده در
 پژوهش، از رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت ۲۰۱۱ استفاده شده است.

رشد نیروی کار (LFG)^۲: برای محاسبه این متغیر نیز از رشد نیروی کار استفاده شده است.

بازبودن تجارت (TRD)^۳: درجه بازبودن تجارت با استفاده از نسبت مبادلات تجاری
 (مجموع صادرات و واردات کشور) به تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه می‌شود. بنابراین،
 هرچه نسبت مبادلات تجاری یا به عبارتی مجموع صادرات و واردات یک کشور نسبت به تولید
 ناخالص داخلی آن کشور بیشتر باشد، این کشور اقتصادی بازتر دارد.

1. Growth Rate of Real Gross Domestic Product Per Capita
2. Labour Force Growth
3. Trade Openness

از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و... ۶۵۳

رشد سرمایه‌گذاری (INV)^۱: برای این متغیر از سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت ۲۰۱۱ استفاده شده و سپس رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بررسی‌شده در پژوهش محاسبه شده است. الگوی رگرسیونی مدل (ارتباط بین برابری جنسیتی و رشد اقتصادی): مدل برآوردی پژوهش حاضر با بررسی مطالعات تجربی صورت‌گرفته در این حوزه و به پیروی از مطالعه پرویز و همکاران^۲ [۲۹] ۲۰۱۱ و مدل تصریح‌شده جهت بررسی ارتباط بین برابری جنسیتی و رشد اقتصادی به صورت ذیل است:

(۷)

$$GDPPG_{it} = \alpha + \beta_1 LFG_{it} + \beta_2 Inv_{it} + \beta_3 Trd_{it} + \beta_4 GI_{it} + \varepsilon_{it}$$

رشد اقتصادی (رشد اقتصادی) متغیر وابسته این مدل بوده و متغیرهای LFG (رشد نیروی کار)، Inv (رشد سرمایه‌گذاری کل)، Trd (بازبودن تجارت)، GI (برابری جنسیتی) متغیرهای مستقل؛ α مقدار عرض از مبدأ و β بردار ضرایب توضیح‌دهندگی هر یک از متغیرهای مستقل و ε_{it} خطای پسماند در مدل و i نشان‌دهنده تعداد مقاطع در این مدل است و t نیز دوره زمانی بررسی‌شده سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ کشورهای در حال توسعه را شامل می‌شود. در ادامه به ارائه نتایج حاصل از برآورد الگوها پرداخته شده است:

آزمون ایستایی

در این پژوهش، از آزمون ایم، پسران و شین به دلیل کاربرد فراوان آن برای داده‌های ترکیبی استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون حاکی از وجود ریشه واحد در متغیر بررسی‌شده است. بنابراین، در صورت رد این فرضیه، متغیر بررسی‌شده ایستا خواهد بود. نتایج حاصل از این آزمون برای متغیرهای لحاظ‌شده در برآورد الگو برای کشورهای در حال توسعه در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون ایم، پسران و شین در کشورهای در حال توسعه

نام متغیرها	آماره آزمون هر متغیر (سطح معناداری)
GDPPG	-۶/۲۰۷ ۰/۰۰۰۰
GI	-۱/۷۷۷ ۰/۰۳۷۷
INV	-۱۱/۱۸۱ ۰/۰۰۰۰
LFG	-۲/۹۱۵ ۰/۰۰۱۸
TRD	-۲/۱۴۴ ۰/۰۱۶۰

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Gross Total Investment
2. Pervaiz et al.

جدول ۳ نتایج آزمون ایستایی ایم، پسران و شین را در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، متغیرها در سطح ایستا بودند، زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون ایستایی در سطح متغیرها کمتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر فقدان ریشه واحد رد نشده و متغیرها در سطح $I(0)$ ایستا هستند.

آزمون تشخیص داده‌های ترکیبی

اولین گام در برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی، تعیین تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌هاست. به منظور تشخیص اینکه داده‌های پژوهش از نوع ترکیبی یا تلفیقی‌اند، از آزمون چاو^۱ (F لیمر) استفاده می‌شود که در صورت تأیید ترکیبی بودن داده‌ها از آزمون‌های مربوط به این داده‌ها استفاده و در صورت تأیید تلفیقی بودن داده‌ها برای برآورد مدل از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این تخمین برای کشورهای در حال توسعه در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر برای بررسی مدل‌های تلفیقی و پانل برای کشورهای در حال توسعه

[prob]	F-statistic
۰/۰۰۰۰	۴/۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج منعکس شده در جدول ۴، مشاهده می‌شود که احتمال آماره این آزمون برای کشورهای در حال توسعه کمتر از ۰/۰۵ شده است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد می‌شود و داده‌های این کشورها از نوع داده‌های تابلویی هستند.

آزمون هاسمن

یکی از آزمون‌های رایج به منظور تعیین نوع مدل داده‌های تابلویی و انتخاب بین تأثیرات ثابت و تصادفی، آزمون هاسمن^۲ است. فرضیه H_0 ، لزوم استفاده از روش تأثیرات تصادفی و فرضیه H_1 ، لزوم استفاده از روش تأثیرات ثابت است. در صورتی که فرضیه صفر رد شود، مدل باید با استفاده از تأثیرات ثابت برآورد شود و در غیر این صورت، روش تأثیرات تصادفی انتخاب می‌شود. نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای در حال توسعه در جدول ۵ ارائه شده است:

1. Chow Test
2. Hausman test

از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و... ۶۵۵

جدول ۵. بررسی آزمون هاسمن برای تعیین نوع تأثیرات (ثابت و تصادفی) در کشورهای در حال توسعه

FE or RE	[prob]	sq-statistic
FE	۰٫۰۰۰۰	۳۷٫۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که احتمال آماره این آزمون کمتر از ۰٫۰۵ است. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر تأثیرات تصادفی رد و تأثیرات ثابت تأیید می‌شود.

آزمون واریانس ناهمسانی

بر اساس فروض کلاسیک، جملات اخلاص u_i در رگرسیون باید واریانس همسان^۱ داشته باشند. فرضیه H_0 در این آزمون بیانگر وجود واریانس همسان بین اجزای اخلاص و فرضیه H_1 عدم وجود همسانی واریانس را بیان می‌کند. در صورتی که جملات اخلاص واریانس ناهمسانی^۲ داشته باشد، به منظور برآورد باید از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده کرد. برای بررسی واریانس ناهمسانی از آزمون نسبت درست‌نمایی^۳ (LR test) استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۶. بررسی آزمون واریانس ناهمسانی برای کشورهای در حال توسعه

[prob]	chi2 LR
۰٫۰۰۰۰	۵۶۸٫۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۶، مشاهده می‌شود که فرضیه صفر رد شده و واریانس ناهمسانی در داده‌های در کشورهای در حال توسعه تأیید شده است.

آزمون همبستگی پیاپی (خودهمبستگی)

در این پژوهش، از آزمون وولدریج^۴ برای آزمون وجود خودهمبستگی استفاده شده است. فرضیه H_0 در این آزمون بیانگر فقدان خودهمبستگی است و فرضیه H_1 وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاص را بیان می‌کند. در صورت وجود هر دو مشکل، واریانس ناهمسانی و

1. homoscedasticity
2. heteroscedasticity
3. likelihood ratio test
4. Wooldridge test

خودهمبستگی و به منظور رفع این مشکلات و پرهیز از استنباط‌های آماری نادرست، باید مدل با استفاده از روش FGLS برآورد شود. بنابراین، در صورتی که احتمال آماره این آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و جملات باقی‌مانده خودهمبستگی دارند. نتایج این آزمون در جدول ۷ ارائه شده است:

جدول ۷. نتایج آزمون خودهمبستگی بین جملات باقی‌مانده در کشورهای در حال توسعه

F-statistic	Probe
۹,۷۲۹	۰,۰۰۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۷، مشاهده می‌شود که احتمال آماره این آزمون در کشورهای در حال توسعه کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین، جملات باقی‌مانده خودهمبستگی مرتبه اول دارند.

تجزیه و تحلیل برآورد مدل

پس از انجام دادن آزمون‌های مورد نیاز برای برآورد مدل، نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای در حال توسعه در جدول ۸ منعکس شده است:

جدول ۸. برآورد مدل با روش FGLS در کشورهای در حال توسعه

> z P	z	Std.Err	Coef	Vriable
۰,۰۰۰	-۳,۹۳	۰,۰۵۱۰	-۰,۲۰۰۵	LFG
۰,۵۳۳	-۰,۶۲	۰,۰۰۳۰	-۰,۰۰۱۸	TRD
۰,۳۶۱	۰,۹۱	۰,۰۲۰۷	۰,۰۱۸۹	GI
۰,۰۰۰	۱۷,۵۷	۰,۰۰۵۳	۰,۰۹۴۲	INV
۰,۰۰۰	۱۰,۹۸	۰,۰۰۲۵	۰,۰۲۸۵	Constant

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۸، متغیر رشد نیروی کار (LFG) بر رشد اقتصادی (GGDP) تأثیر منفی و معنادار دارد. در توجیه منفی بودن ضریب، در مطالعه استادلر^۱ (۲۰۰۳) بر کیفیت نیروی کار بیشتر از کمیت آن برای رشد اقتصادی تأکید دارد. استادلر معتقد است که میزان تحصیلات و صلاحیت نیروی کار حائز اهمیت است و افزایش میزان صلاحیت و نه افزایش کمیت نیروی کار نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی دارد. مورتسن^۲ (۲۰۰۴) نیز با تأکید بر نقش نیروی کار در رشد اقتصادی معتقد است که صلاحیت نیروی کار قادر است عملکرد او

1. Stadler, 2003
2. Mortensen, 2004

را بهبود بخشد، از یک سو به کاهش بیکاری کمک کند و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری مورد نیاز در تحقیق و توسعه را به منظور ایجاد رشد اقتصادی بلندمدت ترغیب کند [۲۸]. همان‌طور که در قسمت مبانی نظری نیز توضیح داده شده، یکی از نهادهای تأثیرگذار بر تولید نیروی کار است. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که منظور از نیروی کار در این الگو نیروی کار مؤثر با دانش و مهارت است. بنابراین، مازاد نیروی کار غیر ماهر و فاقد دانش در کشورهای در حال توسعه سبب کند شدن رشد اقتصادی در این کشورها خواهد شد.

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۸، درجه آزادی تجارت (TRD) بر رشد اقتصادی تأثیر معناداری نداشته است. مطالعاتی مانند گراسمن و هلپمن^۱ (۱۹۹۱)، لوکاس^۲ (۱۹۸۸) و ریورا-باتیز و شی^۳ (۱۹۹۳) نشان دادند در صورتی که شرکای تجاری کشورهای نامتقارن باشند، به این معنا که از لحاظ فناوری و منابع در دسترس متفاوت باشند، حتی اگر ادغام آن‌ها نرخ رشد جهانی را بالا ببرد، ممکن است بر رشد اقتصادی این کشورها تأثیر منفی بگذارد. شایان ذکر است که ادبیات رشد نظری نیز به جای ارتباط بین حجم تجارت و رشد، بیشتر به رابطه بین سیاست‌های تجاری و رشد توجه کرده است. رابطه بین باز بودن تجارت و رشد را نمی‌توان به طور مستقیم ناشی از اثر تغییرات حجم تجارت بر رشد در نظر گرفت، زیرا عوامل دیگری مانند عوامل جغرافیایی، اندازه کشور و درآمد آن می‌تواند بر بخش خارجی تأثیرگذار باشد [۳۷]. براساس نظر ریورا-باتیز^۴ (۱۹۹۵) اگر سیستم سرمایه‌انسانی داخلی نتواند دانش خلاقانه‌ای را از طریق تجارت ایجاد و از آن به طور مؤثری استفاده کند، باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی خواهد داشت. اقتصادهای توسعه‌یافته نوآوری و اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته آن‌ها را تقلید می‌کنند [۱۵]. با توجه به مازاد نیروی کار غیرماهر در کشورهای در حال توسعه و تأثیر منفی آن بر رشد اقتصادی، به نظر می‌رسد که باز بودن تجارت نیز در این کشورها نمی‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. یکی دیگر از دلایل تأثیر منفی باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی این است که محدودیت‌های تأمین مالی در کشورهای در حال توسعه و فقیر یکی از موانع استفاده آن‌ها از انتقال فناوری بوده و همین مسئله باعث شده که برخی از این کشورها از تجارت بین‌المللی و مزایای حاصل از آن فاصله بگیرند [۲۵].

با توجه به نتایج منعکس‌شده در جدول ۸، شاخص برابری جنسیتی (GI) بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه رابطه معناداری نداشته‌اند. برابری جنسیتی در این پژوهش با در نظر گرفتن چهار بعد تبعیض جنسیتی شامل آموزش، بازار کار، شرایط اجتماعی و توانمندسازی زنان محاسبه شده است. البته برابری جنسیتی در حوزه آموزش فقط در توانایی

1. Grossman & Helpman, 1991

2. Lucas, 1988

3. Rivera-Batiz & Xie, 1993

4. Rivera-Batiz, 1995

دستیابی به آموزش خلاصه نشده و کیفیت آموزش و عملکرد سیستم‌های آموزشی در کشورها نیز مدنظر است. با توجه به مبانی نظری مطرح شده، برابری جنسیتی می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته باشد، اما در کشورهای در حال توسعه عوامل مهم‌تر مثل عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیک، توزیع نابرابر، دستمزد و فرصت‌های شغلی ناچیز وجود دارد. براساس شواهد مطرح شده، آموزش به‌تنهایی می‌تواند بر توانمندسازی زنان، استخدام و درآمد آن‌ها و همچنین شرایط اجتماعی تأثیر بگذارد. پس در صورت کمبود و مشکلات در زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه، برابری جنسیتی نمی‌تواند به ایجاد سرمایه انسانی و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی منجر شود.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۸، رشد سرمایه‌گذاری کل (INV) بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. در مورد این موضوع که در همه کشورهای روند رشد اقتصادی و شکل‌گیری سرمایه یا سرمایه‌گذاری مرتبط است، توافق کلی وجود دارد. اقتصاددانان نئوکلاسیک و مارکسیست^۱ تأکید زیادی بر انباشت سرمایه به‌عنوان موتور رشد اقتصادی داشتند. همه مدل‌های رشد در تعیین نرخ رشد اقتصادی بر سرمایه به‌منزله یکی از دو پارامتر اصلی تمرکز کرده‌اند. بنابراین، افزایش سهم سرمایه در اقتصاد نیز برای تقویت رشد آن لازم است. طبق گزارش بانک جهانی^۲ (۱۹۸۹)، رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهایی که سرمایه‌گذاری نسبتاً بالاتری داشته‌اند بیشتر بوده است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به منظور توسعه، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته^۳ (LDC)، اهمیت بیشتری دارد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های یک کشور مانند آموزش و پرورش، کشاورزی، صنعت و... سبب معرفی فناوری‌های جدید به تولیدکنندگان می‌شود و به تحریک فعالیت‌های تولیدی و تسهیل آن‌ها منجر خواهد شد [۵]. به عبارتی، تأثیر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی به دو طریق صورت می‌گیرد: اول، تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای بخشی از تقاضای کل در اقتصاد را تشکیل می‌دهد. بنابراین، با افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری تا زمانی که این افزایش به واردات منجر نشود، سبب تحریک تولید کالاهای سرمایه‌ای و به نوبه خود باعث ایجاد و افزایش میزان رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. دوم، شکل‌گیری سرمایه، ظرفیت تولیدی اقتصاد را به گونه‌ای بهبود می‌بخشد که اقتصاد قادر به ایجاد بازده بیشتری شود. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها و ماشین‌آلات جدید با معرفی فناوری جدید سبب رشد بهره‌وری می‌شود و سرانجام به تسریع رشد اقتصادی منجر خواهد شد [۱۰].

1. Marxist
2. World Bank Report, 1989.
3. Least Developed Countries

نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه سیاست‌گذاران و اقتصاددانان، دستیابی به رشد اقتصادی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. سرمایه‌انسانی به‌منزله یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، که می‌تواند سبب ارتقا و بهبود فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی شود، همواره مورد توجه بوده است. با توجه به اینکه زنان معرف نیمی از جمعیت‌اند و یکی از بخش‌های اصلی جوامع را تشکیل می‌دهند، وجود تبعیض جنسیتی به‌منزله یکی از عواملی مطرح شده است که نه تنها سبب نقض حقوق اساسی بشر شده، بلکه می‌تواند کیفیت سرمایه‌انسانی و به دنبال آن کاهش رشد اقتصادی را در پی داشته باشد. با توجه به این مسئله، مقاله حاضر به بررسی تأثیر تبعیض جنسیتی (در چهار حوزه آموزش، بازار کار، توانمندسازی زنان و شرایط اجتماعی) بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه رشد نیروی کار و بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی و معنادار و رشد سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنادار دارد. در این مطالعه، رابطه بین برابری جنسیتی و رشد اقتصادی معنادار نشد. در توجیه عدم تأیید رابطه مثبت بین برابری جنسیتی و رشد اقتصادی باید به این نکته اشاره کرد که در کشورهای در حال توسعه، عواملی چون عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیک، توزیع نابرابر، نبود دستمزد کافی و فرصت‌های شغلی مناسب در این کشورها سبب شده شاخص برابری جنسیتی با رشد اقتصادی رابطه معناداری نداشته باشد. براساس شواهد مطرح‌شده، آموزش به‌تنهایی می‌تواند بر توانمندسازی زنان، استخدام و درآمد آن‌ها و همچنین شرایط اجتماعی تأثیر بگذارد. پس در صورت کمبود و مشکلات در زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه، برابری جنسیتی نمی‌تواند به ایجاد سرمایه‌انسانی و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی منجر شود.

با توجه به اینکه برابری جنسیتی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه رابطه معناداری نداشته است، پیشنهادهای ذیل می‌توانند در این زمینه اثربخش باشد:

۱. همگانی کردن آموزش ابتدایی و متوسطه به‌عنوان حداقل میزانی آموزشی، ایجاد بستر مناسب از زیرساخت‌های اجتماعی، کیفیت سیستم آموزشی و رفع موانع فرهنگی در خصوص حقوق اساسی زنان؛
۲. تأمین موقعیت‌های برابر شغلی و اجتماعی برای افزایش مشارکت زنان در بازار کار و حضور فعال زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛
۳. برخورداری از محیط کار ایمن و حفاظت زنان از قرارگرفتن در معرض مواد خطرناک، سیاست‌گذاری در جهت به صفر رساندن خشونت در محل کار همچون آزار و اذیت کلامی، جسمی یا جنسی، تلاش برای ارائه خدمات بهداشتی مناسب برابر؛

۴. برگزاری دوره‌های آموزشی آشنایی مدیران امنیتی و کارمندان با درک نشانه‌های خشونت علیه زنان در محیط‌های کاری؛
۵. تخصیص امکانات ویژه برای دوران بارداری و شیردهی زنان. می‌بایست شرایط برای تسهیل گذراندن ایمن این دوران تأمین شود و تضمین حفظ موقعیت شغلی، حقوق و مزایا و مدت زمان مرخصی کافی برای زنان در نظر گرفته شود؛
۶. تدوین قوانین برابر با مردان و قوانین حمایتی، اصلاح قوانین حمایتی خانواده به‌ویژه در مراحل طلاق در کشورهای در حال توسعه و قوانین حمایتی زنان در محل کار، سهولت سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی زنان.

منابع

- [۱] آذربایجانی، کریم؛ مصطفایی، هاجر (۱۳۹۰). «اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب (۱۹۹۳-۲۰۰۶)»، فصل‌نامه تحقیقات اقتصادی راه‌اندیشه، دوره ۱، ش ۲، ص ۸۳-۱۱۲.
- [۲] برزانی، محمدواعظ؛ حاتمی، راضیه (۱۳۸۹). «اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه (۲۰۰۰-۲۰۰۶) مدل سیستم هم‌زمان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره ۱، ش ۷، ص ۵۳-۷۳.
- [۳] پناهی، حسین؛ سلمانی، بهزاد؛ آل‌عمران، سیدعلی (۱۳۹۵). «تأثیر نابرابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی ایران، دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. دوره ۱، ش ۵، ص ۴۳-۶۱.
- [4] Andersson, A. (2010). *The Effect of Increased Gender Equality on Economic Growth in Developing Countries*. Master's thesis, Economics, Jönköping University.
- [5] Anwer, M. S., & Sampath, R. K. (1999). *Investment and economic growth*. EconPapers, Paper No. 35713.
- [6] Azmat, G., & Petrongolo, B. (2014). "Gender and the labor market: What have we learned from field and lab experiments", *Labour Economics*, 30, PP 32-40.
- [7] Balatchandirane, G. (2003). "Gender discrimination in education and economic development: A study of South Korea", *China and India. International studies*, 40(4), PP 349-378.
- [8] Busse, M. & Spielmann, C. (2003). *Gender discrimination and the international division of labour*. HWWA Discussion, Paper No. 245.
- [9] Cavalcanti, T, & Tavares, J. (2007). *The Output Cost of Gender Discrimination: A Model-Based Macroeconomic Estimate*. CEPR Discussion, Paper No. 6477.
- [10] Epaphra, M., & Massawe, J. (2016). "Investment and economic growth: An empirical analysis for Tanzania", *Turkish Economic Review*, 3(4), PP 578-609.
- [11] Ferrant, G. (2015). "How do gender inequalities hinder development? Cross-country evidence", *Annals of Economics and Statistics*, (117/118), 313-352.
- [12] Galor, Oded & Weil, David, (1996). "The Gender Gap, Fertility, and Growth", *American Economic Review, American Economic Association*, 86(3), PP 374-387.

- [13] Ghosh, M. (2018). "Gender Equality, Growth and Human Development in India. *Journal of Poverty Alleviation & International Development*, 9(1).
- [14] Gil-Lafuente, A. M., Torres-Martinez, A., Amiguet-Molina, L., & Boria-Reverter, S. (2019). "Gender equality index of the autonomous communities of Spain: a multidimensional analysis", *Technological and Economic Development of Economy*, 25(5), PP 915-933.
- [15] Hye, Q. M. A., & Lau, W. Y. (2015). "Trade openness and economic growth: empirical evidence from India", *Journal of Business Economics and Management*, 16(1), PP 188-205.
- [16] Kabeer, N. (2012). "Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development", *International Development Research Centre*, 44(10), 1-70.
- [17] Kabeer, N. (2011). *Contextualising the economic pathways of women's empowerment: findings from a multi-country research programme*. LSE Research, Paper No. 89807.
- [18] Khanal, S. (2018). "Gender discrimination in education expenditure in Nepal: Evidence from living standards surveys", *Asian Development Review*, 35(1), PP 155-174.
- [19] Klasen, S., & Lamanna, F. (2009). "The impact of gender inequality in education and employment on economic growth: new evidence for a panel of countries", *Feminist economics*, 15(3), PP 91-132.
- [20] Kotlikoff, L.J. (2007). *The Healthcare Fix: Universal Insurance for All Americans*. Cambridge: The MIT Press, Paper No. 435.
- [21] Kuhn, P., & Shen, K. (2013). "Gender discrimination in job ads: Evidence from china", *The Quarterly Journal of Economics*, 128(1), PP 287-336.
- [22] Lampert, T., & Kroll, L. E. (2014). "Social differences in mortality and life expectancy", *Robert Koch Institute*, 5(2), 78.
- [23] Lindberg, S. I. (2004). "Women's empowerment and democratization: The effects of electoral systems, participation, and experience in Africa", *Studies in Comparative International Development*, 39(1), PP 28-53.
- [24] Menshikov, A. V., Kalabashkina, Y. V., & Zverev, S. A. (2015). "Investment as a Factor of Economic Growth", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6(3 S7), 259.
- [25] Menyah, K., Nazlioglu, S., & Wolde-Rufael, Y. (2014). "Financial development, trade openness and economic growth in African countries: New insights from a panel causality approach", *Economic Modelling*, 37, 386-394.
- [26] Moorhouse, E. A. (2017, October). "The many dimensions of gender equality and their impact on economic growth", *In Forum for Social Economics*, 46(4) PP 350-370.
- [27] Morrison, A., Raju, D., & Sinha, N. (2007). Gender equality, poverty and economic growth. Policy Research Working Paper, Paper No. 4349.
- [28] Paudel, R. C., & Perera, N. (2009). "Foreign debt, trade openness, labor force and economic growth: evidence from Sri Lanka", *The ICAFI Journal of Applied Economics*, 8 (1), PP 57-64.
- [29] Pervaiz, Z., Chani, M. I., Jan, S. A., & Chaudhary, A. R. (2011). "Gender inequality and economic growth: a time series analysis for Pakistan", *Middle-East Journal of Scientific Research*, 4(8), PP 434-439.
- [30] Pokharel, S. (2008). "Gender discrimination: Women perspectives", *Nepalese journal of development and rural studies*, 5(2), PP 80-87.

-
- [31] Saha, A. (2013). "An assessment of gender discrimination in household expenditure on education in India", *Oxford Development Studies*, 41(2), PP 220-238.
- [32] Salik, M., & Zhiyong, Z. (2014). "Gender discrimination and inequalities in higher education: A case study of rural areas of Pakistan", *Academic Research International*, 5(2), 269.
- [33] Sundström, A., Paxton, P., Wang, Y. T., & Lindberg, S. I. (2017). "Women's political empowerment: A new global index, 1900–2012", *World Development*, 94, PP 321-335.
- [34] Tansel, A., & Güngör, N. D. (2016). "Gender effects of education on economic development in Turkey. In Women, Work and Welfare in the Middle East and North Africa: The Role of Socio-demographics", *Entrepreneurship and Public Policies*, IDEAS, Chapter 3, PP 57-86.
- [35] Williams, D. R. (2002). "Racial/ethnic variations in women's health: the social embeddedness of health", *American journal of public health*, 92(4), PP 588-597.
- [36] Xu, L. (2015). *Effects of Female Political Participation on Economic Growth: Evidence from Asian Countries*. Master's thesis, Department of Economics, Lund University.
- [37] Yanikkaya, H. (2003). "Trade openness and economic growth: a cross-country empirical investigation", *Journal of Development economics*, 72(1), PP 57-89.